

اردشیر محمص

(۱۹ شهریور ۱۳۱۷ - ۱۸ مهر ۱۳۸۷ / ۹ سپتامبر ۱۹۳۸ - ۱۹ اکتبر ۲۰۰۸)

۲۷ مهر ۱۳۸۷ / ۱۸ اکتبر ۲۰۰۸

اردشیر محمص، چهره درخشان فرهنگ و هنر ایران معاصر درگذشت. محمص در جهان طراحی و طرح‌پردازی نامی شناخته بود و منتقدان و صاحب‌نظران او را از طراحان بزرگ معاصر به شمار می‌آوردند.

با نام او بود که هنر طرح‌پردازی ایران معاصر، در صفحات روزنامه‌ها و ماهنامه‌ها و هفته‌نامه‌های پر اعتبار جهان راه یافت. در طی سالیان، آثار او چه به هنگام نمایش در نمایشگاه‌ها و چه به صورت طبع و نشر در آلبوم‌ها و کتابها، تحسین و ستایش همگان را برمی‌انگیخت. چندین و چند بار جایزه‌ها و امتیازات هنری پر افتخار بین‌المللی به محمص تعلق گرفته بود. با قلم او بود که طراحی جدید جهان در ایران راه یافت و از اقبال و تحسین روزافزونی برخوردار شد. هنر محمص در بستر تلاقی سنت‌های طراحی و تصویری ایرانی (از نقش‌های سفالینه‌ها و مجلس‌های مینیاتور گرفته تا تصاویر کتاب‌های چاپ سنگی) و دستاوردهای هنر گرافیک جهان امروز گسترش می‌یابد و بارور می‌شود. هنری بیگانه با رونویسی و تقلید کور. امروزین، ایرانی و جهانی.

در سال‌های دراز دوری از دیار و زندگی در این سو، اردشیر، فروتن و استوار و خستگی‌ناپذیر، هرگز و هیچگاه، حتی در اوج رنج تن و رنجوری جان، قلم از کف نگذاشت و همواره و همچنان افسانه و افسون دنیا و دنیاهائی را بر صفحه کاغذ و پارچه تصویر کرد. محصول کار او، چه از نظر حجم و میزان و چه از نظر تنوع و گوناگونی در سبک و موضوع، چشمگیر و شگفتی‌آفرین است. هم رنگ و روغن و هم سیاه قلم. هم طرح و طراحی و هم نقش و نقاشی. دلکهای سیرک، حاجی‌فیروزها، تیرباران‌شده‌ها، نفرین‌شدگان، زنان در حجاب، میرزا رضا در زنجیر، مصدق در محکمه نظامی و بالاخره کوره‌های آدم‌سوزی و "هولوکاست". و بعد هم تصویرپردازی کتابها: از کتاب کلثوم ننه تا *وغ وغ ساهاب*.

طنز تلخ اردشیر چهره‌کریه حافظان نظم و پاسداران خشک‌اندیشی را نمایان می‌کرد، پرده از دروغ و فریب و زور و تزویر بر می‌گرفت و لبخند بر لب و شادی در دل می‌نشانند و همدلی می‌انگیخت. او خود زمانی گفته بود "کاریکاتور هنر رپورتاژ است. یک وقایع‌نگاری. من آنچه را می‌بینم می‌کشم. به نظر من کاریکاتورها اسناد یک عصرند".

محصص تصویرگر دوران ما بود. خاموش و بی‌اعتنا و بیخیال از کنار تلاطم و هیاهوی زمانه نگذشت و این چنین بود که هر آنجا که می‌بایست و می‌شایست خطها و نقشها و رنگهای قلم او فریاد خشم بر آوردند و آوای همدردی سرودند. با زمان و در زمان خود زیست. محمص روشن‌نگری، روشن‌بینی، روشنی و روشنائی بود. هنرمندی از دودمان عادلان و بیداردلان و ترقیخواهان و نوآوران. با تقوی و در اخلاق زیست.

دوست آرام ما دیگر دنیا را نقش نمی‌زند و ما دیگر در نقشهای او، گذشته و اکنون، شادی و اندوه، خشم و خروش خود را نمی‌یابیم. اردشیر، اردشیر دنیای ما بود. یادش بیدار و پایدار.

یرواند آبراهامیان - شجاع آذری - داریوش آشوری - آذر اشرف - احمد اشرف - رحیم اصغرزاده - صدرالدین الهی - رضا براهنی - علی بنو عزیزی - سهراب بهداد - ناصر پاکدامن - ایرج پزشکیزاد - شهرنوش پارس‌پور - عباس توفیق - علی اصغر حاج‌سیدجوادی - حسن حسام - ناهید حقیقت - منصور خاکسار - نسیم خاکسار - هادی خرسندی - علی خوانساری - محمدرضا خوبروی پاک - اسماعیل خوئی - زهره خیام - رضا دقتی - منوچهر دقتی - بهرام رحمانی - ناصر رحمانی‌نژاد - رامین روحانی - مجید روشن‌نگر - سعید رهنما - ناصر زراعتی - اکبر سردوزامی - آنا عنایت - محمود عنایت - منصور فرهنگ - شهرام قنبری - فرهاد کاظمی - احمد کریمی حکاک - هوشنگ کشاورز صدر - مهناز متین - مریم متین‌دفتری - هدایت متین‌دفتری - مهشاد محیط - توفیق مردانی - رضا مرزبان - ناهید مظفری - بهروز معظمی - ژیلای معظمی - هایده مغیثی - بهمن مقصدلو - ابراهیم مکی - شهریار مندنی‌پور - ناصر مهاجر - باقر مؤمنی - مرتضی میرآفتابی - شیدا نبوی - فیروز نجومی - نیکزاد نجومی - علی ندیمی - شیرین نشاط - مجید نفیسی - پرتو نوری علا - وحید نوشیروانی - بهمن نیرومند - حورا یآوری - محسن یلفانی.